

شرکت و معاونت در جرائم

اصل دوم یعنی اینکه قابل مجازات بودن معاون ملازمه با قابل مجازات بودن مجرم اصلی ندارد محتاج به توضیح نیست مثلاً ممکن است مجرم اصلی وفات کند یا فراری شود یا بعلم صغر سن قابل مجازات نباشد یا در حال دیوانگی مرتکب جرم گردد این اوضاع در حال معاون تأثیر ندارد از بیانات فوق چنین نتیجه میگیریم:

۱- مجهول بودن مرتکب اصلی مانع از مجازات معاون نیست.

۲- بعد از ارتکاب اصلی مجازات معاون اشکالی ندارد.

۳- عدم تعقیب او از طرف اداره مدعی عمومی مربوط به عدم تعقیب معاون نیست و اگر مرتکب اصلی معلوم و حاضر باشد و باین وصف مدعی عمومی او را تعقیب نکند معاون نمیتواند باین امر استناد کند.

۴- مسئول نبودن مرتکب اصلی بعلتی از علل قانونی

که مربوط بشخص او است در حال معاون مؤثر نمیشود.
۵- تبرئه مرتکب اصلی ملازمه با تبرئه معاون ندارد.

در باب این شق اخیر باید توضیح داد که تبرئه مرتکب اصلی از دو جهت ممکن است یکی از نقطه نظر اینکه اصلاً جرمی واقع نشده و یا عمل ارتكابی جرم نیست دیگری از جهت اینکه جرم واقع شده ولی مرتکب اصلی در آن دخالت نداشته است.

در مورد اول شرط اساسی معاونت مفقود و بالاخره معاونت قانونی امکان پذیر نیست اما در حالت دوم چون جرم واقع شده کافی برای تعقیب معاون است دخالت نکردن شخص بخصوص مستلزم این نیست که معاون برائت حاصل کند و بی تقصیر شمرده شود.

این رویه موافق با عقل سلیم و از روی انصاف و عدالت است زیرا هر گاه مقصود از مجازات اصلاح حال مجرم باشد در موقعی که او از فعل خود اظهار ندامت میکند کاشف از این است که بماقت و خیم آن بی برده مضرات آنرا درک کرده است و در واقع قبل از اینکه از طرف مقامات قضائی اقدام با اصلاح اخلاق او شود خود او اقدام نموده و مجمل عقیده او فاسد نبوده و مجازات مختصر برای او کافی است و روی همین نظریه قانون اسلام توبه را که پیش از ثبوت جرم بعمل آید سبب معافیت از مجازات میدانند. محتاج بتذکر نیست که فاضی باید در موقعی که مجرم اظهار ندامت میکند مطمئن باشد که این اظهار او بطور ساختگی و برای استفاده از تخفیف مجازات نیست و اگر کشف شود که ندامت صوری و برای جلب جلب عطفوت محکمه از راه تقلب است گذشته از اینکه موردی برای مراعات حال مجرم باقی نیست چون رفتار او حکایت از زیر دستی و مهارت اومی کند باید مجازات شدیدتری در باره او تعیین شود. گفتیم که تغییر عقیده معاون را از مجازات معاف نمیدارد ولی اگر علاوه بر تغییر عقیده اقداماتی کند که در نتیجه آن با مجاء آثار معاونت موفق شده و روابط خود را بطوری با مجرم اصلی قطع کند که بتوان گفت وسایل ارتكابی که فراهم آورده بوده زائل شده است شاید به مقتضای عدالت معاف داشتن او از مجازات بهتر باشد و چنین وضعیت در معاونان هائی که عبارت از تحريك و ترغیب یا دادن اسلحه باشد بیشتر مشاهده می شود مثلاً بگنفر در مقابل دیگری متعهد میشود که اگر شخص نالئی را مقتول سازد قتلان مبلغ باو خواهد داد یا اسلحه باو میدهد که مرتکب قتل شخص نالئی بشود حال اگر متعهد قبل از وقوع قتل در مقابل متعهدله (قاتل احتمالی) تعهد خود را نقض و با اسلحه را که بقاتل مذکور داده بوده پس بگیرد معاونت مرتفع خواهد بود. در غیر این قبیل موارد تغییر عقیده سودی ندارد.

مبحث دوم

جذحه یا جنایت بودن عمل

معاونت در جرم بطور مطلق مجازات ندارد بلکه باید معاونت در جذحه یا جنایت بعمل آید بسیاری از قوانین هنگام صحبت از معاونت جذحه یا جنایت بودن عمل اصلی را قید کرده اند از اینرو معلوم میشود که معاونت در امور خلافی (صرف نظر از بعضی قوانین) قابل مجازات نیست بعلت اینکه امور خلافی بی اهمیت و زیان آنها بجامعه قابل توجه نمی باشد و قانون گذار نخواسته است که برای عمل مختصر علاوه بر مرتکب اصلی معاون او را هم مسئول قرار دهد .

قانون مجازات ایران در این بابت تصریحی ندارد ولی از روح مواد آن این معنی فهمیده می شود و به علاوه رویه قضائی معاونت در امور خلافی را قابل مجازات نمی داند .

در معاونت میان جذحه های عمدی و غیر عمدی فرق گذارده نمی شود زیرا که نه در قانون مجازات ایران و نه در قوانین جزائی خارجه تعریفی از جذحه ذکر نشده و عملی را وقتی میتوان جذحه دانست که مجازات جذحه برای آن مقرر شده باشد و بطور کلی مجازات جذحه های غیر عمدی مانند مجازات جذحه های عمدی است پس چون معاونت در جذحه های عمدی مجازات دارد در جذحه های غیر عمدی هم قابل مجازات خواهد بود .

مبحث سوم

علم و اراده معاون

کسی را باید معاون محسوب داشت که :

اولا بداند مرتکب چه عملی میشود
ثانیا آن عمل را با اختیار و اراده آزاد خود
بجا آورد

وجود این دو عنصر اصلی اختصاص به معاونت ندارد بلکه در تمام جرائم شرط اساسی است و بدون آنها مرتکب را نباید مسئول کار های خود قرار داد .

در مورد معاونت مثل سایر جرائم اگر یکی از این دو عنصر موجود نباشد معاونت وجود نخواهد داشت . اتفاق می افتد که میان مداخله کنندگان اتحاد بعمل آمده ولی در موقع ارتکاب منظور معاون جرمی غیر از جرمی باشد که مرتکب در نظر گرفته در این صورت عنوان معاونت تحقق پیدا نمی کند

گرچه علم معاون شرط اساسی قابل مجازات بودن اوست ولی معاونت هایی دیده می شود که وجود علم و اطلاع در آن احتیاج باثبات ندارد و تنها اثبات عمل معاونت بطور ملازمه علم و اطلاع معاون را مسلم می دارد . مثلا در مورد کسی که برای قتل شخصی بقاتل اسلحه بدهد اثبات علم و اطلاع اسلحه دهنده از عاقبت فعل خود لازم نیست و قانون گذار نباید امر باثبات آن بدهد زیرا که نقش معاونت حکایت از علم و اطلاع معاون می کند . برعکس معاونتهائی وجود دارد که در آنها نقش عمل دلالت بر مطلع بودن معاون از نتایج کار های خود ندارد مثلا کسی که در انجام عملیات مقدماتی جرم به مرتکب اصلی معاونت می کند ممکن است مقصود او را ندانسته باشد در این جا باید علم و اطلاع را اثبات کرد و بهمین جهت در قوانین جزائی ضمن صحبت از معاونت هایی که عبارت از تحریک و تبانی و دستور دادن و غیره باشد اشاره بعلم و اطلاع نشده ولی در سایر معاونت ها مانند تهیه ادوات و اسباب و آلات علم و اطلاع از شرایط مجازات قرار داده شده است . قانون مجازات ایران این رویه را اتخاذ کرده و در بند ۱ و ۲ ماده ۲۸ که از تحریک و تبانی سخن می راند ذکر از علم و اطلاع نکرده ولی در بند ۳ که تهیه و تدارک اسباب و آلات را تصریح می کند علم و اطلاع را از عناصر آن می شمارد .